

جلسه ۲۲۴ (س) ۹۰/۲/۲۷

## بسم الله الرحمن الرحيم

(مسئله ۸) : لا يجب تعيين الأيام فلو كان عليه أيام فصام بعددها كفى وإن لم يعين الأول والثاني وهكذا بل لا يجب الترتيب أيضا فلو نوى الوسط أو الأخير تعين و يترتب عليه أثره .

موضوع این مسئله مربوط به این است اگر کسی بخواهد قضای روزه هایش را بگیرد لازم نیست معین کند که مثلا امروز قضای روز اول یا دوم ماه رمضان را می گیرم و هكذا . علت طرح این مسئله این است که در حدیث آمده است : « من فاتته فريضة فليقضها كما فاتت » از این رو گفته شده که چه بسا تعیین روز روزه ای که فوت شده لازم باشد منتهی ما عرض می کنیم که لازم نیست این خصوصیت لحاظ شود ، درست است که روزه های ماه رمضان به ترتیب انجام می شود ولی رتبه این روز در مامور به قید نشده است تا لازم باشد در قضا آن را رعایت کنیم . این مسئله مانند آن است که کسی از یک نفر در عرض چند روز چند درهم قرض کند حال اگر بخواهد قرضش را بدهد می تواند همه درهم را یکجا به او بدهد و لازم نیست نیت کند که مثلا این درهم مربوط به دومین روزی است که از او قرض گرفتم و هكذا . فرع دوم در کلام صاحب عروة این است که لازم نیست که روزه ها را به ترتیب قضا کند مثلا اگر کسی از روز بیستم تا بیست و پنجم روزه اش را بخورد حال موقعی که دارد قضای روزه هایش را می گیرد لازم نیست به ترتیب روزها قضای آن را بگیرد مثلا می تواند در روز اولی که قضا را می گیرد نیت آخرین روزی که از او قضا شده است را بکند ، بلکه اگر یک روز را معین کرد و گفت من امروز قضای روزه شب بیست و یکم ماه رمضان را می گیرم در این صورت دیگر معین می شود و نمی شود آن را تغییر داد . بعضی از عبادیات جزء عناوین قصدیه هستند مانند نماز ظهر و عصر که اگر کسی بدون قصد یک نماز چهار رکعتی بخواند این نه ظهر حساب می شود و نه عصر ، در مورد روزه هم همین است اگر کسی روزه بگیرد و نیت مستحبی و یا قضا و یا آدا نکند بعدا نمی تواند آن را به نیت آدا و یا قضا به جا بیاورد .

صاحب عروة در آخر این مسئله می فرماید : « تعین و یترتب علیه أثره » توضیح آن این است که در ما نحن فیه اگر یک روز را معین کرد و مثلا گفت که اول قضای روزه شب جمعه را می گیرم بعد اگر متوجه شود که شب جمعه را قبلا قضا کرده بوده روزه آن روز را نمی تواند به عنوان روزه قضای یک روز دیگر نیت کند ، بلکه اگر از اول نیت نمی کرد و یکی از روزه های قضا را می گرفت یک روز از روزه هایش کم می شد ولی در فرض مزبور کم نمی شود . ( ثمره این مطلب در جواهر جلد ۱۷ ص ۳۹۸ ذکر شده است ) .

(مسئله ۹) : لو كان عليه قضاء من رمضان فصاعدا يجوز قضاء اللاحق قبل السابق بل إذا تضيق اللاحق بأن صار قريبا من رمضان آخر كان الأحوط تقديم اللاحق و لو أطلق في نيته انصرف إلى السابق و كذا في الأيام .

اگر کسی از چند ماه رمضان روزه هایی به گردن اوست که باید قضای آنها را به جا آورد می تواند ابتدا هر کدام از ماه رمضان ها را که می خواهد نیت کند .

اگر وقت برای گرفتن روزه های ماه رمضان اخیر ضیق شده باشد صاحب عروة قائل است احوط این است که اول روزه های لاحق را بگیرد ولی حضرت امام قدس سره در حاشیه عروه می فرماید ؛ أقوى این است که اخیر را مقدم کند و ما هم به قول امام قائل هستیم . علی ای حال گرفتن قضای روزه فوری نیست ولی اگر سال رو به اتمام باشد و به ماه رمضان بعدی نزدیک شویم و وقت ضیق شود باید فوراً روزه ها را بگیرد و تا قبل از حلول ماه رمضان روزه های قضای آن سال را تمام کند .

و اما اخبار مربوط به این بحث در جلد ۷ وسائل ص ۲۴۶ در باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان ذکر شده است مثلا خبر ۶ این خبر است : « عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِذَا مَرَضَ الرَّجُلُ مِنْ رَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ ثُمَّ صَحَّ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ لِكُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرَةٌ فِدْيَةٌ طَعَامٍ وَ هُوَ مُدٌّ لِكُلِّ مِسْكِينٍ... وَإِنْ صَحَّ فِيمَا بَيْنَ الرَّمَضَانَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ أَنْ يَقْضِيَ الصَّيَّامَ فَإِنْ تَهَاوَنَ

بِهِ وَقَدْ صَحَّ فَعَلَيْهِ الصَّدَقَةُ وَ الصَّيَّامُ جَمِيعاً لِكُلِّ يَوْمٍ مُدٌّ إِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ الرَّمَضَانَ » . از این حدیث فرمایش حضرت امام که



کرده غیر از آنی بوده که بدهکار بوده و باید توجه داشت که قصد در این موارد تعیین کننده است . إن شاء الله این بحث را فردا پی می گیریم....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

أقوی حرمت است نیز استفاده می شود لذا فرد باید تا قبل از ماه رمضان آینده روزه های قضای آن سال را بگیرد .  
بعد صاحب عروة در ادامه می فرماید ؛ اگر فقط نیت قضا کند و هیچکدام از ماه های رمضان را نیت نکند آن روزه از ماه رمضان سابق حساب می شود ، علت آن این است که عرفاً چنین چیزی به ماه رمضان اول ملحق می شود و نتیجه این مطلب هم در کفاره تاخیر ظاهر می شود به این شکل که اگر کسی بدون اینکه ماه رمضان اخیر را نیت کند روزه هایی را قضا کند همه از سال اول حساب می شود و بعد اگر وقتش برای گرفتن روزه های ماه اخیر ضیق شود و نتواند روزه ها را بگیرد باید کفاره آن روزها را بدهد .

(مسئله ۱۰) : لا ترتیب بین صوم القضاء و غیره من أقسام الصوم الواجب كالکفارة و النذر و نحوهما نعم لا يجوز التطوع بشیء لمن علیه صوم واجب كما مر .

صاحب عروة در این مسئله می فرماید ؛ اگر کسی چند روزه قضا مثل کفاره و نذر و امثال آن به گردن دارد لازم نیست که یکی را مقدم کند البته واضح است که هنگام روزه گرفتن باید نیت کند که کدام را قضا می کند . بعد صاحب عروة اضافه می کند که کسی که روزه واجب به گردن دارد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد ، سابقاً هم گفتیم که فرق بین روزه و نماز در این است که در نماز اگر کسی نماز واجب به گردن داشته باشد می تواند نماز مستحبی بخواند ولی در روزه نمی شود .

(مسئله ۱۱) : إذا اعتقد أن علیه قضاء فنواه ثم تبين بعد الفراغ فراغ ذمته لم يقع لغيره و أما لو ظهر له في الأثناء فإن كان بعد الزوال لا يجوز العدول إلى غيره و إن كان قبله فالأقوى جواز تجديد النية لغيره و إن كان الأحوط عدمه . این مسئله در مورد کسی است که تصور می کرده که مثلاً چند روز روزه قضا به ذمه داشته و همان را نیت کرده ولی بعداً متوجه شده که روزه ماه رمضان به ذمه او نبوده بلکه می بایست روزه نذر را می گرفته ، در این صورت آن روزها که گرفته از نذر حساب نمی شوند زیرا آن چیزی که بدهکار بوده نیت نکرده یعنی آن چیزی که نیت